



خاورمیانه جدید و محور مقاومت

ایران در کدام مقاطع تاریخی، راهبرد خود را در قبال گروه‌های فرامرزی بازتیین کرد؟

▼ ایران، بهار عربی، سوریه و حماس

خیزش‌های مردمی در کشورهای عربی که ایران ترجیح داد به جای «بهار عربی» از تعبیر «بیداری اسلامی» برای نامیدن ششان استفاده کند، از دسامبر ۲۰۱۰ در تونس آغاز و کشورهایی از جمله تونس، یمن، مصر و لیبی را با خود همراه کرد. در مقطع ابتدایی این خیزش در خاورمیانه و شمال آفریقا، با استقبال تهران مواجهه و سیاست خارجی و نهادهای انقلابی را به خود مشغول کرد که بخشی از این مسئله را می‌توان ناشی از وجود نظام‌هایی در کشورهای مذکور دانست که رابطه خوبی با جمهوری اسلامی نداشتند. برای مثال با آغاز خیزش در تونس و با امید به تغییرات اساسی در روابط میان دو کشور، مقام‌های جمهوری اسلامی و به‌ویژه رهبر انقلاب و پیروان دستگاه سیاست خارجی ایران حمایت آشکار خود را از قیام مردم این کشور ابراز داشتند. در این راستا آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه گفتند «انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ که باعث سرنگونی رژیم شاه شد برای کسانی که تحت حکومت‌های مشابه با رژیم شاه هستند الگوی مناسبی است».

در همین راستا، ایران از انقلاب مردم مصر نیز بسیار خرسند بود چرا که تغییر حکومت در قاهره را مساوی با خروج این کشور از صف کشورهای دارای رابطه سیاسی و امنیتی با اسرائیل می‌دانست.

روند حمایت ایران از بهار عربی اما در جایی متوقف شد که موج

خیزش‌های عربی راه خود را به سمت سوریه و متحد قدیمی تهران یعنی بشار اسد در پیش گرفت و اینجاد که ایران با چرخش دیدگاه خود، اوضاع حاکم بر سوریه را فتنه آمریکا و اسرائیل برای سرنگونی اسد توصیف کرد. نزدیک به ۵ سال پیش از آغاز تحولات سوریه، محور ایران، سوریه و حزب‌الله لبنان توانسته بودند تا در همکاری نزدیک تجربه موفق را در جنگ سال ۲۰۰۶ علیه اسرائیل پشت سر بگذارند و این امر اهمیت بیش از پیش دمشق برای تهران را آشکار می‌کرد. حضور نیروهای سپاه پاسداران ایران و حزب‌الله لبنان در این کشور برای نجات حکومت بشار اسد نیز در چارچوب همین اتحاد استراتژیک معنا شد.

حزب‌الله ضمن آموزش و هدایت شبه‌نظامیان شیعه عراقی و سایر مبارزان شیعه در سوریه با همکاری آنها به حمایت از دولت سوریه اقدام نمود. با این حال، تبعات تحولات سوریه و حمایت آشکار ایران از حکومت بشار اسد، روابط تهران با یکی از گروه‌های مهم محور مقاومت را دچار چالش کرد؛ حماس که بسیاری از نینیانگدارانش از درون جنبش اخوان المسلمین برخاسته یا از آن متأثر بودند به دلیل آنکه اخوان المسلمین یکی از گروه‌هایی بود که در سوریه علیه بشار اسد می‌جنگید، در صف مخالفین حکومت دمشق قرار گرفتند. این اقدام حماس همچنین می‌تواند در راستای تلاش برای از دست ندادن حمایت‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس به احتمال اینکه حکومت دمشق

▼ راهبرد ایران در قبال محور مقاومت

حزب‌الله نخستین گروهی بود که به‌صورت مستقیم توسط انقلابیون ایران شکل گرفت؛ علی‌اکبر محتمشی‌پور، سفیر پیشین ایران در سوریه و کسی که پدر معنوی حزب‌الله در سال‌های نخست شناخته می‌شد، در این ارتباط گفته بود: «امام (ره) نظرشان این بود که ما خودمان یک تشکیلاتی را برنامه‌ریزی و تاسیس کنیم و در چارچوب یک حرکت واحد و یکپارچه که هم از نظر نظامی و هم از نظر عقیدتی کارآمد باشند، برای مقابله با اسرائیل تاسیس شود؛ نه اینکه یک شرکت سهامی درست کنیم و هر گروهی خود را شریک بدانند و سهم خودش را بگیرد به‌عنوان اینکه برود با اسرائیل وارد نبرد شود چون در این صورت، بحث منافع شخصی و تحصیل بیشتر امکانات جایگزین بحث مبارزه با اسرائیل می‌شود». پس از حزب‌الله و در مرحله بعد گروه‌هایی قرار می‌گیرند که تحت تاثیر انقلاب ایران شکل گرفته‌اند و از این جهت با تهران قرابت دارند که جهاد اسلامی فلسطین از جمله اولین گروه‌هایی است که اینگونه شکل گرفت؛ از دیدگاه جنبش جهاد اسلامی، تا پیش از پیروزی انقلاب در ایران، اسلام از صحنه مبارزه و رویارویی دور بوده است، لذا با انقلاب ایران این مسئله روشن شد که اسلام تنها راه حل بود و جهاد بهترین شیوه است. فتوحی شگفتی، مؤسس جهاد اسلامی در خصوص تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر مبارزات فلسطین گفت: «این انقلاب به ما فرمانده که پیروزی ما در گرو پیروزی از راه امام خمینی (ره) است؛ از همین ره، ناگاهان در دیوار مسجد الاقصی و مساجد دیگر با تصاویر رهبر ایران تزئین شد. اتفاقی که یکی از ثمرات بیداری اسلامی است که امام خمینی در منطقه و به‌ویژه در فلسطین به‌وجود آورد. پس بر ماست که در مبارزه برای رهایی از تسلط و اشغالگری اسرائیل از تمام راه‌حل‌های دیگر پرهیز کرده و با توجه به اصولی که امام در مبارزه با اسرائیل ارائه کرده‌اند، با دشمنان اسلام و مسلمانان مبارزه کنیم».

جمهوری اسلامی ایران علاوه بر این در راستای آنچه «مبارزه با استکبار جهانی»، «اشغالگری رژیم صهیونیستی» و همچنین «صدور انقلاب» عنوان کرده است، از همان ابتدا چتر حمایتی خود را بر روی سایر گروه‌هایی که پیش از انقلاب نیز تشکیل شده بودند گستراند و تلاش کرد تا آنها را تقویت کند که ابتدا سازمان آزادی‌بخش فلسطین و فتح و پس از آن حماس از جمله این گروه‌ها هستند. با سقوط صدام حسین در عراق نیز، افراد و گروه‌هایی که در جریان جنگ ایران و عراق، در کنار ایران علیه صدام می‌جنگیدند سازماندهی شدند و ظهور داعش نیز موجب شد تا همه این گروه‌ها در ساختاری با نام حشدالشعبی جای بگیرند. در نزدیک به یک دهه گذشته، دو تحول مهم در منطقه خاورمیانه یعنی بهار عربی یا همان بیداری اسلامی و طوفان الاقصی و تحولات پس از آن، ایران را در موقعیتی قرار داده تا نسبت به کیفیت روابط خود با نیروهای جبهه مقاومت تأمل کرده و راهبرد جدیدی را تبیین کند.

تحولات خاورمیانه

فاطمه کلانتری

خبرنگار گروه دیپلماسی



جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری که «تنهایی استراتژیک» را در طول ۸ سال جنگ تحمیلی عراق به‌خوبی تجربه کرد، به این باور رسیده است که تنها از طریق تفوق قدرت و افزایش نفوذ می‌تواند امنیت خود را حفظ کند. این عمل استراتژیک از طریق مفهومی، انتزاعی و استراتژیک با استفاده از ایجاد و تقویت گروه‌های وفادار و متعدّد به ایدئولوژی و راهبرد ضدصهیونیستی و ضدآمریکایی خود و نیز ایجاد پایگاه‌های نظامی گروه‌های مقاومت و تقویت قدرت نظامی آن‌ها و نیز اتحاد با کشورهای همسور در کنار موازنه درونی قدرت تامین می‌شود. ایران با استفاده از راهبرد عمق استراتژیک تلاش می‌کند خط مقدم نبرد را به خارج از مرزهای جغرافیایی خودش بکشاند تا امکان اقدام رقیب و دشمنان منطقه‌ای در حمله مستقیم به ایران کاهش یابد. موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک متحدان ایران از جمله حزب‌الله لبنان و حماس و جهاد اسلامی در فلسطین، در مجاورت مرزهای اسرائیل، بر اهمیت آن‌ها در محور مقاومت افزوده است. همچنین ایران نسبت به تامین منافع خود از طریق گروه‌های فلسطینی در جهت نفوذ در مناقشه اعراب و اسرائیل بهره می‌گیرد. فراتر از حزب‌الله و متحدان فلسطینی ایران، تهران توانسته از ظرفیت سایر شبکه متحدان شیعه غیردولتی خود در سوریه استفاده کند و همچنین با حمایت از دولت سوریه از عمق استراتژیک خود پاسداری کند. از انصارالله یمن نیز به‌عنوان دیگر متحد ایران در محور مقاومت یاد می‌شود. گروه‌های تشکیل دهنده حشدالشعبی نیز از جمله مهمترین عناصر قدرت و نفوذ ایران در عراق هستند که تهران با ارائه تسلیحات و مشاوره نسبت به تقویت آن‌ها اقدام کرده است. همین امر نیز موجب شده تا گروه‌های محور مقاومت بقای خود را در بقای جمهوری اسلامی ایران بدانند؛ هر چند قوت و ضعف این نگاه در همه گروه‌ها یکسان نیست. آیت‌الله خامنه‌ای در تشریح اهمیت دور نگاه داشتن خط مقدم نبرد از مرزهای ایران، در زمان حضور سپاه پاسداران و نیروهای داوطلب مدافعین حرم در عراق و سوریه برای مبارزه با داعش گفتند: «کسی که از اینجا می‌دود در عراق یا در سوریه به عنوان دفاع از حریم اهل بیت در مقابل این تکفیری‌ها می‌ایستد، در واقع دارد از شهرهای خودش دفاع می‌کند». ایشان همچنین در جای دیگری گفتند: «اگر اینها مبارزه نمی‌کردند، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استان‌ها با اینها می‌جنگیدیم و جلوی اینها را می‌گرفتیم» محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی در زمانی که جانشین ولیعهد وزیر دفاع این کشور بود، در مصاحبه‌ای به این خط قرمز جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد و گفت: «نبرد را به داخل مرزهای ایران می‌کشانیم».

در نزدیک به یک دهه گذشته، دو تحول مهم در منطقه خاورمیانه یعنی بهار عربی یا همان بیداری اسلامی و طوفان الاقصی و تحولات پس از آن، ایران را در موقعیتی قرار داده تا نسبت به کیفیت روابط خود با نیروهای جبهه مقاومت تأمل کرده و راهبرد جدیدی را تبیین کند

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

M+E
MIDDLE EAST EYE

روحانی‌ای که پدیده انتخابات ایران شد

مصطفی پورمحمدی، نامزد محافظه‌کار ریاست جمهوری در ایران با ایده‌های اصلاح‌طلبانه‌اش ناظران و افکار عمومی را غافل‌گیر کرد و باعث خشم اصول‌گرایان شد. در شرایطی که تنها نامزد اصلاح‌طلبان مسعود پزشکیان است، گروهی با کنایه استدلال می‌کنند که پورمحمدی از پزشکیان، که دائماً در سخنانش به قرآن استناد می‌کند و بیشتر آخوندمسلمک به نظر می‌رسد، اصلاح‌طلب‌تر است. طی روزهای گذشته پورمحمدی با عملکردش در انظار عمومی باعث بهت محافظه‌کاران شد؛ او وعده داد پلیس [امنیت] اخلاقی را پایان دهد، از مسدودسازی شبکه‌های اجتماعی مجازی انتقاد کرد و بر ضرورت مذاکره با ایالات متحده آمریکا با فشاری کرد. او در اقدامی جالب در صحنه سیاست ایران، با دخترش که دکترای اقتصاد دارد به تلویزیون رفت و او را به‌عنوان مشاور ارشد اقتصادی خود معرفی کرد. او از دخترش خواست تا در مورد آثار دردناک تحریم‌های ایالات متحده و ضرورت برداشته شدن آنها از طریق مذاکره صحبت کند.

برخی اصلاح‌طلبان نگران هستند که کارزار انتخاباتی پورمحمدی باعث تقسیم شدن آرا میان او و پزشکیان شود. یک مشاور کارزار انتخاباتی پزشکیان به میدل‌ایست‌آی می‌گوید: «ما نگران نیستیم، اما روشن است که پورمحمدی در حال جذب آرای پایگاه رای اصلاح‌طلبان و طبقه متوسط است. یک مقام اصول‌گرای نظام می‌گوید: «پورمحمدی خود را به‌عنوان یک سیاستمدار احیا کرد و با توجه به اینکه توانایی‌اش را در سخنوری و جهان‌بینی لیبرال‌ش نمایش داد، روزهای خوبی در پیش رو خواهد داشت.» او اضافه کرد که اگر پزشکیان در انتخابات پیروز شود، احتمالاً پورمحمدی به‌عنوان وزیر کشور منصوب می‌کند چرا که اصلاح‌طلبان به تدریج از مواضع او رضایت پیدا کرده‌اند. پورمحمدی در حال حاضر به‌عنوان «پدیده» انتخابات ریاست جمهوری مناظره‌ها شناخته می‌شود. ابتدای امر کسی او را جدی نگرفته بود، اما حالا شرایط فرق کرده است.

پورمحمدی به‌عنوان نماد محافظه‌کاران میانه‌رو شناخته می‌شود؛ موضوعی که می‌توان در مواضع و سخنرانی‌های او هم مشاهده کرد. حتی زمانی که محافظه‌کاران از نامزدی علی‌لاریجانی، سیاستمدار میانه‌رو و رئیس سابق مجلس خشمگین شده بودند، زمزمه‌هایی وجود داشت که جامعه روحانیت مبارز از او در انتخابات حمایت کند. اما صلاحیت لاریجانی برای شرکت در انتخابات تأیید نشد. با پیروزی رفتن علی‌لاریجانی از مبارزات انتخاباتی، پورمحمدی که تنها روحانی حاضر در جمع نامزدها است، بخت بیشتری برای پیروزی خود می‌بیند. سردبیر یک روزنامه اصلاح‌طلب در ایران به میدل‌ایست‌آی می‌گوید: «واضح است که پورمحمدی باور دارد که می‌تواند رای محافظه‌کاران سنتی و میانه‌رو را جذب کند، در عین حال او برای مستقل‌ها و میانه‌روهایی که قبلاً از لاریجانی حمایت می‌کردند هم جذاب است.» این روزنامه‌نگار می‌گوید که پورمحمدی خود را در حال حاضر مقابل دو نامزد محافظه‌کار یعنی سعید جلیلی و محمدباقر قالیباف قرار داده است نه در مقابل اصلاح‌طلبان. این سردبیر می‌گوید گفته می‌شود که پورمحمدی در اعدام‌های سال ۱۹۸۸ نقش داشته است و این باعث می‌شود که او نتواند موفقیت بزرگی کسب کند. پورمحمدی قبلاً گفته است که کسانی که در آن سال اعدام شدند «جانبان و تروریست‌ها بودند» که با مجاهدین خلق که امروز با عنوان شورا ملی مقاومت ایران شناخته می‌شود، همکاری می‌کردند.

مصطفی پورمحمدی در نخستین مناظره ریاست جمهوری گفت: «ما تحریم شده‌ایم، کل اقتصاد ما و تمامی مناسبات اقتصادی و تجاری ما قفل شده است.» او ادامه داد: «بعضی‌ها می‌گفتند تحریم مسئله مهمی نیست و هنوز هم همین را می‌گویند. جهان تحریم‌های فلج‌کننده علیه ما وضع کرده است. ما در لیست سیاه قرار داریم. وقتی تمام روابط بازرگانی و مالی ما قفل شده است، فعالان اقتصادی ما چگونه می‌توانند کار کنند؟» پورمحمدی همچنین از سیاست خارجی دولت ابراهیم رئیسی انتقاد کرد و گفت: «آنها هزینه جنگ اوکراین را دادند، اما هیچ منفعتی نبردند.» روز چهارشنبه پورمحمدی از مخالفان برجام به‌ویژه محافظه‌کاران تندرو که در شکست آن نقش بارزی داشتند انتقاد کرد. وی گفت: «توافق برای کاهش فشار تحریم‌ها امضا شده بود، اما آن را از بین بردند، همه مقام‌های کشور برجام را پذیرفته‌بودند، اما در عمل در اجرای آن اخلال شد.»